



بلاغت کاربردی

درس ۲۵

استاد:

آموزشیار: آقای جمالی

مقدمه

در درسهای گذشته حالات مختلف مسند الیه و اغراض مربوط به این حالات بیان گردید . در این درس نیز بعد تعریف و بیان مواضع مختلف آن در کلام، حالات مسند ذکر می گردد، و در ادامه به بررسی حالت ذکر مسند الیه و مباحث مربوط به آن پرداخته می شود

تمهید

الف- مسند همان حکم در کلام است که به آن «محکوم به» یا «مخبر به» نیز می‌گویند.

مواضع مختلف مسند در کلام عبارتند از:

۱- خبر برای مبتدا، مانند «وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نساء/۱۲) و «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» (بقره/۲۵۵) و «وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ» (نساء/۲۷)

۲- فعل تام، مانند «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ» (ق/۱۹).

۳- اسم فعل، که علی‌منقول است مانند «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ» (مائده/۱۰۸) و یا مرتجل مانند «هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ» (مومنون/۳۶)

۴- مبتدا وصفی، که عبارت است از مشتقی که بواسطه مرفوع خود (یعنی اسمی که آن را رفع داده است) از خبر بی‌نیاز گردیده است، مانند «أُرَاغِبُ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ» (مریم/۴۶)

۵- اخبار نواسخ، مانند «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس/۶۲) و «وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا» (نساء/۱۲۶)

۶- آخرین مفعول افعال ناسخه، مانند «فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ» (ممتحنه/۱۰) و «كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ» (بقره/۱۶۷).

۷- مصدری که نیابت از فعل می‌کند، مانند «فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ» (محمد/۴) در اینجا «ضَرْبَ» به معنای «اضربوا» است.

ب- حالات مسند

بحث از حالات مسند در پنج فصل صورت می‌گیرد، که عبارتند از:

فصل اول: ذکر مسند

فصل دوم حذف مسند

فصل سوم: معرفه آوردن مسند

فصل چهارم: نکره آوردن مسند

فصل پنجم: تقدیم مسند

در مورد تاخیر مسند در اینجا بحثی نخواهیم داشت چرا که چنانکه گذشت اغراض تاخیر مسند همان اغراض تقدیم مسند الیه است بنابراین به مباحثی که در آنجا صورت گرفت اکتفاء می‌کنیم. همچنین بحث از اطلاق و تقييد نیز در مبحث اطلاق و تقييد در «باب قيود» خواهد آمد.

فصل اول: ذکر مسند

اهداف این فصل

- بعد مطالعه این فصل انتظار می‌رود که دانش پژوه به این سوالات پاسخ بدهد:
- ۱- ذکر مسند چند نوع است؟
 - ۲- جمله صغری و جمله کبری چیست؟
 - ۳- موقعیت‌هایی که اقتضای ذکر مسند با وجود امکان حذف آن را دارد چیست؟
 - ۴- اسباب ذکر مسند چیست؟
 - ۵- چه اسبابی که مقتضی افراد مسند می‌باشند؟
 - ۶- چه اسبابی اقتضای جمله بودن مسند را

تمهید

انواع ذکر مسند

مسند یا مفرد است و یا جمله

۱- مسند مفرد:

ا- یا فعل خالی از ضمیر است، مانند « يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ » (نساء/۲۸)

ب- و یا اسم مقید به افعال ناسخه است (یعنی خبر افعال ناسخ می‌باشد)، مانند « وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا » (نساء/۱۷)

ج- و یا اسم غیر مقید به افعال ناسخ است (یعنی خبر برای مبتدا می‌باشد)، مانند « وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ » (بقره/۲۲۸)

در صورتی که مسند مفرد، اسم غیر مقید به افعال ناسخه باشد جمله (یعنی مجموع مسند و مسند الیه) اسمیه خواهد بود؛ و در صورتی که مسند مفرد، اسم مقید به افعال ناسخه بوده و یا اینکه فعل باشد جمله فعلیه خواهد بود.

۲- مسند جمله

و مسند جمله یا جمله فعلیه است مانند « إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا » (نساء/۲۹) و یا اینکه جمله اسمیه است که تنها سببیه خواهد بود مانند « وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ » (نور/۳۹)

اسباب ذکر مسند

در باب مسند الیه بیان شد که اصل ذکر هر آن چیزی است که رکن در کلام و یا رکن در مقصود می باشند، به همین خاطر متکلم در مورد ذکر آنها مورد سوال قرار نمی گیرد. اما گاه قرینه دلالت بر رکن کلام و یا رکن مقصود دارد و لذا ما را از ذکر آن بی نیاز می کند.

البته گاه با وجود قرینه نیز رکن مذکور ذکر می شود و در بعضی موارد نیز ذکر رکن کلام یا مقصود واجب می باشد.

ذکر رکن در این موارد به جهت اغراض و اسبابی است که موجب ترجیح و یا تعیین ذکر رکن می گردد. در بحث ذکر مسند الیه بعضی از این اغراض و اسباب بیان گردید و در اینجا نیز بخشی دیگر از این اغراض و اسباب بیان می گردد، اگر چه که بعضی از اغراضی که ذکر می گردد مربوط به نحوه ذکر می باشند:

۱- تعریض به کودن بودن شنونده: مانند « قَالُوا ءَ أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتَا يَابْرَاهِيمُ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا » (انبیاء/۶۳)

در این آیه قرینه برای حذف مسند - یعنی « فَعَلَهُ » - وجود داشت، زیرا این عبارت جواب سوال « ءَ أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتَا يَابْرَاهِيمُ » است و سوال خود قرینه برای تعیین مسند است بنابراین نیازی به ذکر آن نبود اما به غرض تعریض به کودنی سائل ذکر گردیده است.

در مجموع در این آیه سه شاهد برای حذف مسند به جهت تعریض به کودنی شنونده وجود دارد که عبارتند از: اول: اصل جواب، دوم: ذکر مسند، سوم: عبارت « هذا »؛ علاوه بر شواهد دیگری که در کلام بعدی وجود دارد یعنی عبارت « فَسْتَلَوْهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ ».

۲- پاسخ به مخاطب، مانند « قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ » (یس/۷۸) علاوه بر این در این آیه اغراض دیگری مانند تعریض به کودنی شنونده و غیره وجود دارد.

۳- اظهار محبت و علاقه به مسند: « مَا تَعْبُدُونَ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَكِفِينَ » (شعراء/۷۱) در این آیه ذکر مسند با وجود امکان حذف آن به انگیزه اظهار شوق و محبت آنها نسبت به عبادت اصنام می باشد چنانکه طولانی کردن جواب بوسیله عبارت « فَנَظَلُّ لَهَا عَكِفِينَ » نیز بر همین دلالت دارد.

۴- تعیین فعل یا اسم بودن مسند: فعل یا اسم بودن مسند مفید معنای خاصی است به همین جهت مسند ذکر می شود تا فعل یا اسم بودن آن مشخص باشد. معانی ای که فعل یا اسم بودن مسند افاده می دهند عبارتند از:

الف- افاده حدوث و مقید ساختن مسند به یکی از زمانهای سه گانه: و این در جایی است که مسند فعل یا جمله فعلیه باشد، مانند « اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ » و « وَ يَضِيقُ صُدْرِي وَ لَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي » و « سِيرَى اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَ رَسُولُهُ » و « سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ »

ب- افاده تجدد و استمرار: و این در جایی است که مسند فعل مضارع و یا جمله فعلیه ای باشد که فعل آن فعل مضارع است، مانند « **إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ** » (نساء/۱۴۲) و « **وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ** » (انعام/۱۲۱).

ج- افاده ثبوت و دوام: و این در صورتی است که مسند اسم باشد، مانند « **وَهُوَ خَادِعُهُمْ** » (نساء/۱۴۲).

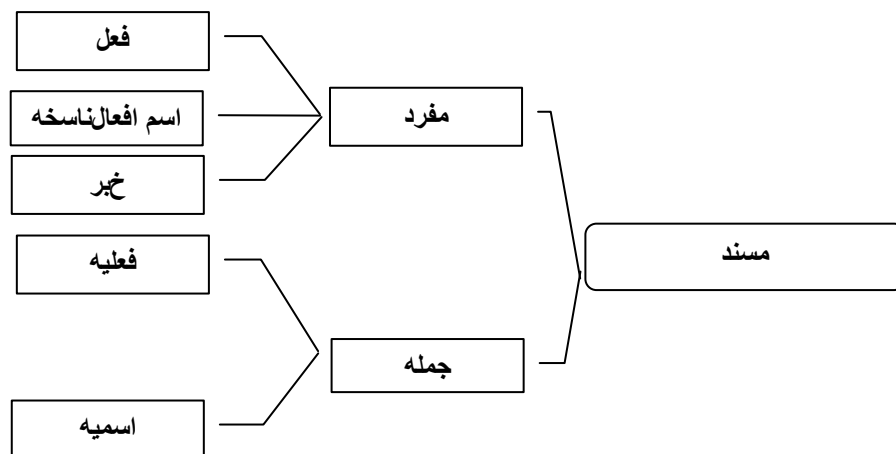
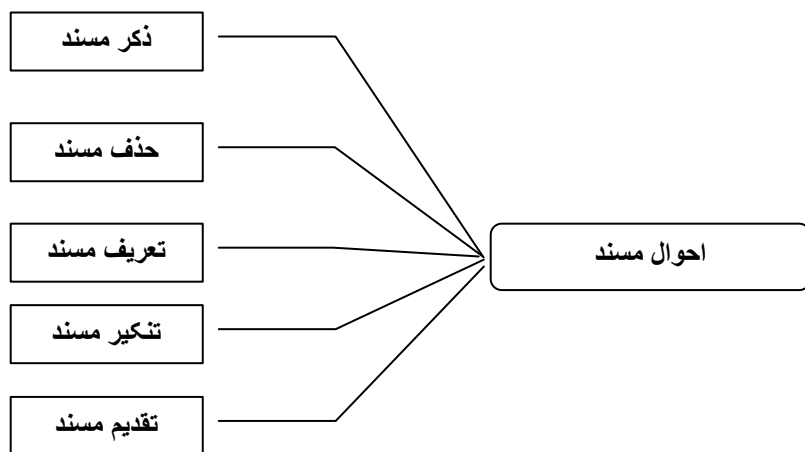
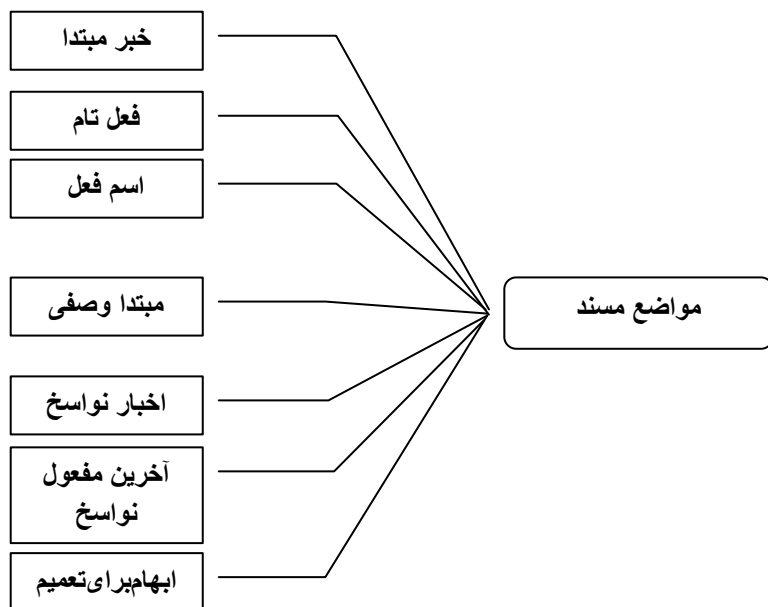
اسباب تنويع در ذكر مسند

گفتیم که مسند به دو شکل ذکر می شود: مفرد و جمله. و مختلف بودن نحوه ذکر مسند به جهت اسباب ذیل است:

- ۱- تقييد مسند به يك از زمانهای سه گانه به خلاصه ترین شکل ممکن همراه با افاده تجدد و استمرار. این غرض در صورتی است که مسند فعل باشد.
- ۲- افاده عدم تقييد مسند به یکی از زمانهای سه گانه و عدم تجدد و استمرار در آن. این غرض در صورتی است که مسند اسم باشد.
- ۳- غیر سببی بودن مسند: زیرا اگر سببی باشد مسند قطعاً جمله خواهد بود.
- ۴- عدم قصد تقویت حکم
مثلهای این اغراض همگی در مثلهای گذشته ذکر شده است.

اسباب جمله آوردن مسند:

- ۱- سببی بودن مسند
- ۲- افاده تقویت حکم
- ۳- افاده ثبوت و دوام: و این غرض در صورتی است که مسند جمله اسمیه سببیه باشد.
- ۴- افاده تجدد و حدوث و دلالت بر یکی از زمانهای سه گانه به خلاصه ترین وجه: و این در صورتی است که مسند جمله فعلیه باشد.
مثلهای این اغراض نیز در مثلهای گذشته ذکر گردیده است.



تعریض به کودنی
شنونده

پاسخ به مخاطب

اسباب ذکر مسند

اظهار محبت به
مسند

تعیین اسم یا فعل
بودن مسند

افاده حدوث و تقیید به ازمئه ثلاثه
(در فعل و جمله فعلیه)

افاده تجدد و استمرار (در فعل مضارع
و جمله فعلیه که فعلش مضارع است)

افاده ثبوت و دوام (در مسندی که
اسم است)

تقیید به ازمئه ثلاثه و افاده تجدد (در
فعل و جمله فعلیه)

عدم تقیید به ازمئه ثلاثه و عدم افاده
تجدد (در مسندی که اسم است)

غیر سببی بودن مسند

عدم قصد تقویت حکم

اسباب تنويع در ذکر مسند

سببی بودن مسند

افاده تقویت حکم

اسباب جمله بودن مسند

افاده ثبوت و دوام (در جمله اسمیه)

تجدد و حدوث و تقید به احد ازمئه
ثلاثه